

ولادت امام جواد (علیه السلام) و نقش آن در زندگی انسان 250 ساله

بررسی نقش ولادت امام جواد (علیه السلام) و اهمیت آن در تاریخ تشیع

محمد بن علی (علیه السلام) امام نهم شیعیان دوازده امامی، فرزند امام رضا (علیه السلام) و ملقب به تقی و جواد هستند که در سن هفت سال و چند ماهگی به امامت رسیدند. تاریخ ولادت امام جواد (علیه السلام) دهم رجب بود و ایشان در سن 25 سالگی به شهادت رسیدند. مادر بزرگوار ایشان کنیزی از آفریقا بود و این مسئله موجب تفاوت چهره ایشان با امام رضا (علیه السلام) شده بود. مسیر امامت ایشان مسیری پرچالش بود و بخشی از این مشکلات به قبل امامت ایشان برمی گشت. شیعیان در امامت ایشان شک داشتند و به همین دلیل فشار بسیاری بر امام رضا (علیه السلام) وارد کردند. ولادت امام جواد (علیه السلام) و امامت زودهنگام ایشان بحرانی جدی در جامعه شیعه ایجاد کرد و حتی خواص هم در این مسئله لغزیدند و امامت ایشان را زیر سؤال بردند. مسیر امامت ایشان مسیری پر از درس و نکته است، که می تواند نقشه راه رسیدن به گنج معیت امام را به دست ما برساند. در این مسیر با سؤالاتی مواجه می شویم، که پاسخ آنها می تواند گره های زیادی از مسیر امامداری مان باز کند؛ سؤالاتی مثل:

● چالش های قبل از به امامت رسیدن امام جواد (علیه السلام) چه بود؟

● زمان به امامت رسیدن ایشان چه اتفاقاتی رخ داد؟

● امام در طول امامت شان با چه بحران هایی مواجه بودند؟

● آیا شباهتی بین عصر ایشان و عصر آخرالزمان وجود دارد؟

● خواص و یاران ویژه امام چه نقشی در تحکیم امامت ایشان داشتند؟

● ایشان چه نقشی در حفظ حیات شیعه و پایه ریزی بحث مهدویت داشتند؟

ولادت امام جواد (علیه‌السلام) و امامت ایشان شباهت فراوانی به عصر مهدویت دارد و امام جواد (علیه‌السلام) نقش بسیار مهمی در برداشتن موانع دوران امامت امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) ایفا کرده‌اند. بعضی اصحاب و شاگردان ویژه امام هم توانستند نقش مهمی در تحکیم امامت ایشان ایفا کنند و خود را خرج امام و مسیر امامت کنند. اگر مشتاقید پاسخ سؤالاتی که گفتیم را بدانید و از جزئیات این مسیر پر فراز و نشیب باخبر شوید، با ما همراه باشید.

چالش‌های پیش از امامت امام جواد (علیه‌السلام)

مصائب و مشکلات امامت امام جواد (علیه‌السلام) فقط به دوران پس از امامت ایشان مربوط نبود، بلکه بعضی از این چالش‌های جدی هم به قبل از ولادت امام جواد (علیه‌السلام) برمی‌گردد. ولادت امام جواد (علیه‌السلام) بشارت بزرگی برای امام رضا (علیه‌السلام) بود و ایشان مسیر سختی را برای فراهم کردن شرایط امامت امام جواد (علیه‌السلام) طی کردند. امام رضا (علیه‌السلام) در سن 47 سالگی صاحب فرزند شدند و به همین دلیل شیعیان تهمت‌های فراوانی به ایشان می‌زدند.¹ تا زمانی که ایشان پسری نداشتند، می‌گفتند چون پسری نداری باید برادرت امام شود. از طرفی چون بعد از حسنین (علیهم‌السلام) امکان امامت برادران وجود ندارد، ادعای امامت تو از ریشه باطل است.²

پس از ولادت امام جواد (علیه‌السلام) هم وقیحانه به ایشان تهمت می‌زدند و ادعا می‌کردند امام جواد (علیه‌السلام) فرزند ایشان نیست. از مهم‌ترین دشمنان امام رضا و امام جواد (علیهم‌السلام) اطرافیان و اقوام ایشان بودند. این تهمت‌ها و توهین‌ها صرفاً مخصوص غریبه‌ها نبود، بلکه نزدیکانی مثل برادر امام رضا (علیه‌السلام) هم جزء این افراد بودند. از آنجا که مادر بزرگوار امام جواد (علیه‌السلام) کنیزی آفریقایی و تیره‌رو بود، رنگ پوست و چهره ایشان هم تیره بوده و به امام رضا (علیه‌السلام) شباهتی نداشتند.

قزوینی، سید محمد کاظم، امام جواد (ع) از ولادت تا شهادت، علی کرم فریدی، قم: مرتضی، 1395، ص 337¹

کلینی، محمد یعقوب، اصول کافی، حسین استادولی، تهران: دارالتقلین، 1393، جلد 1، ص 320²

کار به جایی کشیده شد که مجلسی به راه انداختند و قیافه‌شناسان را خبر کردند، که آنها پدر اصلی امام جواد (علیه‌السلام) را تشخیص بدهند. قیافه‌شناسان هم امام رضا (علیه‌السلام) را بین جمعیت تشخیص دادند و ایشان را پدر امام جواد (علیه‌السلام) معرفی کردند³. سطح معرفت آنها در حدی بود، که سخن حجت خدا روی زمین را باور نکردند و تأیید و تشخیص قیافه‌شناسان را سند و مدرک معتبر دانستند.

حال تصور کنید امام جواد (علیه‌السلام) قرار است در چنین وضعیتی که غریب و آشنا و خاص و عامش از چنین سطح معرفت و شعوری نسبت به امام و حجت خدا برخوردارند، به امامت برسند. ایشان در فضایی که تأیید فرزند امام بودن را باید قیافه‌شناسان انجام می‌دادند، قرار بود یک‌تنه بزرگ‌ترین سنگ‌ها را از مسیر امامت و مهدویت بردارند.

غربال شیعیان در آزمون امامت امام جواد (علیه‌السلام)

خطر غربال خواص و فرماندهان و شاگردان نزدیک ائمه (علیهم‌السلام) اتفاق تازه‌ای نبود، که تازه با مسئله ولادت امام جواد (علیه‌السلام) و امامت زودهنگام ایشان رخ بدهد. منحرف شدن خواص و معتمدان تقریباً از دوران خیانت سقیفه بنی ساعده شروع شد و تا امروز ادامه پیدا کرده است.

در طول تاریخ ائمه (علیهم‌السلام) فتنه‌ها بسیار بوده است؛ از عصر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تا عصر امام باقر (علیه‌السلام) تکلیف ایشان با دشمنان تقریباً روشن است، زیرا دشمن اصلی آنها حکومت است و ابهام خاصی در این رابطه برای کسی وجود ندارد، از دوران امام صادق (علیه‌السلام) انحراف‌ها جدی‌تر شد و با خودسری‌ها و قیام‌های متعدد امام‌زاده‌ها و شکل‌گیری فرقه‌های مختلف، فتنه‌های جدیدی جان گرفتند. این فتنه‌ها به‌مرور عمیق‌تر شدند و در هر عصری تلفات و قربانی‌های خاص خود را پیدا کردند. ولادت امام جواد (علیه‌السلام) و امام شدن ایشان در کودکی، تکان‌های محکم‌الک بود و غربال جدی شیعیان را آغاز کرد، این آزمون آن قدر جدی بود، که خواص هم درگیر آن شده و به چالش کشیده شدند. حتی بزرگانی که از فتنه عصر امام قبلی به

همان، ص 322³

سربلندی بیرون آمده بودند، هم پای‌شان لغزید و در امامت کودک شک کردند. بعضی از این افراد که ستون‌های شیعه بودند و حدود 1400 روایت از آنها در کتاب چهارگانه موجود است هم لغزیدند، آنها معتقد بودند تا امام به بلوغ نرسند، نباید روایتی از ایشان نقل کنند و می‌گفتند چطور ممکن است کودکی 7 ساله را امام بدانیم؟ لاقلاً مدتی صبر کنیم بالغ شوند.

بحران‌های عصر امام جواد (علیه‌السلام)

در عصر پر از فتنه امام جواد (علیه‌السلام) ایشان باید به صورت هم‌زمان به مدیریت و کنترل چند فتنه می‌پرداختند. بحران‌هایی مثل:

● کودک بودن ایشان در زمان به امامت رسیدن:

فاصله زمانی چندانی بین امامت و ولادت امام جواد (علیه‌السلام) وجود نداشت و ایشان در کودکی به امامت رسیدند. این مسئله تا پیش از ولادت امام جواد (علیه‌السلام) وجود نداشت و شیعیان در مواجهه با این ماجرا دچار مشکلات فراوانی شدند. نه تنها برای حکومت بنی‌عباس، بلکه برای شیعیان هم پذیرش کودکی به عنوان امام، قاضی، مفتی^۴ و فرمانده سخت بود.

● ازدواج اجباری با دختر مأمون عباسی:

مأمون پس از گذشت مدتی از ولادت امام جواد (علیه‌السلام) دخترش را در سال 202 هجری به اجبار به عقد امام درآورد. او که فرد زیرکی بود، نیت‌های متعددی از این تصمیم داشت؛ می‌خواست وجهه‌آل رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را خراب کند و چهره‌ای دنیادوست و قدرت‌طلب از آنها به نمایش بگذارد، از طرفی مایل بود خود را به علویان نزدیک کند و نوه‌ای از

فتوا دهنده⁴

نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشته باشد. او این ازدواج سیاسی را طراحی کرد، تا تمام وقت امام و شیعیان را تحت کنترل داشته باشد و اوضاع را به درستی مدیریت کند.

● فرقه زیدیه:

این فرقه ائمه را تا امامت امام سجاد (علیه السلام) قبول دارند و زید بن علی را جانشین پدر می دانند. از مهم ترین اصول این فرقه قیام و مبارزه و حکومت است. [زیدیه](#) مشکلات فراوانی برای امام جواد (علیه السلام) ایجاد کردند و امام را به همراهی با طاغوت بنی عباس متهم می کردند.

● فرقه واقفیه:

[واقفیه](#) در امامت امام کاظم (علیه السلام) توقف کرده بودند و ایشان را همان مهدی موعودی می دانستند، که از نظرها غایب شده و رجعت خواهد کرد. این فرقه منحرف با فرقه زیدیه علیه امام جواد (علیه السلام) تبانی کرده بودند و مدام در کار امام گره می انداختند.

● فرقه اهل حدیث:

گروهی از فقهای اهل سنت بودند، که فقط به ظاهر قرآن و حدیث تکیه داشتند و عقل را تماماً رد و انکار می کردند. این گروه که مخالف هرگونه بحث عقلی در مورد مباحث اعتقادی بودند، در مقابل اصحاب رأی^۵ قرار داشتند.

گروهی از فقهای سنی مذهب که علاوه بر قرآن و سنت، به کاربرد عقل هم در این باره متقدند.⁵

● فتنه اهل غلو

این فتنه شوم صرفاً مسئله‌ای مربوط به دوران امامت و ولادت امام جواد (علیه‌السلام) نبود، بلکه از سال‌ها پیش وجود داشت. غلات یا غالبه به گروهی گفته می‌شد که به ائمه (علیهم‌السلام) نسبت خدایی و الوهیت می‌دادند. مسئله امامت در کودکی امام جواد (علیه‌السلام) هم خوراک خوبی برای یاوه‌گویی این افراد دروغ‌گو فراهم کرده بود. این افراد قلباً دوست‌دار اهل بیت (علیهم‌السلام) نبودند، بلکه مأموران مخفی حکومتی برای تخریب نامحسوس ایشان بودند. این افراد علاوه بر نسبت خدایی به ائمه (علیهم‌السلام) سخنانی از زبان ایشان در محلی نادرست نشر می‌دادند، که به ضرر ایشان بود. مثلاً در جمع اهل سنت از زبان ائمه (علیهم‌السلام) به خلفای اول و دوم و سوم اهانت می‌کردند و آنها را خشمگین می‌کردند.

● باب‌های قلابی:

چون ارتباط با ائمه سخت و دشوار شده بود، ایشان برای ارتباط‌گیری با شیعیان افرادی را به‌عنوان رابط انتخاب کرده بودند. این افراد باب نام داشتند و امور مختلف شیعیان توسط آنها به امام منتقل می‌شد؛ اموری مثل پرداخت وجوهات شرعی، پاسخ‌گویی به مسائل شرعی و فقهی، مدیریت مسائل جهادی و سیاسی و اجتماعی و ... چون دسترسی مردم به امام راحت نبود و ابواب به وجوهات مردم دسترسی داشتند، عده‌ای از این نم‌ها برای خود کلاهی ساختند و خود را باب امام معرفی کردند. اتفاقاً همه آنها هم گمنام و کم‌مرتبه نبودند. بعضی مثل فارس‌بن‌حاتم که عالمی مشهور بود و او را مدافع حریم ولایت می‌دانستند، هم ادعای باییت کرد. این ابواب دروغین حتی به رقابت با هم می‌پرداختند و هرکدام برای جذب بیشتر مردم، اختیارات و آپشن‌های خیالی می‌تراشیدند. مثلاً بعضی در ازای دریافت مبلغی از مردم، نماز و عبادت را برای‌شان حذف می‌کردند و بعضی زنا و شراب را آزاد می‌کردند. امام جواد (علیه‌السلام) در چنین شرایطی باید به مدیریت اذهان عمومی، هدایت قلوب شیعیان، کنترل جامعه شیعه و زمینه‌سازی امامت ائمه بعدی و بیان بحث مهدویت می‌پرداختند.

نقش حمایت خواص در تحکیم امامت ایشان

هر آزمون و امتحانی در مسیر امامداری و خودسازی یا سکوی پرتاب انسان می‌شود، یا پرتگاه سقوط او خواهد شد. همان‌طور که افراد بسیاری در آزمون ولادت امام جواد (علیه‌السلام) و امامت ایشان مردود شدند، افرادی هم توانستند این تهدید را به فرصتی برای خودشان تبدیل کنند و در دنیا و آخرت سربلند شوند.

با این‌که امامت امام به رد و تأیید کسی وابسته نبود و این مسئله عرشی نیازی به مهر تأیید هیچ بنده‌ای نداشت، اما عده‌ای باید خود را خرج این مسیر می‌کردند. جامعه درک نمی‌کرد که امام هفت ساله با امام هفتصد ساله فرقی ندارد. پس آبرودارانی از خود مردم باید می‌آمدند و آبرو و منیت‌های خود را فدا می‌کردند، تا دیگران با مقام امام و جایگاه امامت آشنا شوند. در این میان نام دو نفر از اصحاب وفادار امام جواد (علیه‌السلام) به‌شکل ویژه‌ای می‌درخشد که سیره آنها و سبک امامداری آنها می‌تواند سرمشق خارق‌العاده‌ای برای مشتاقان مقام معیت باشد؛ علی بن جعفر و علی بن مهزیار.

● علی بن جعفر

علی بن جعفر فرزند امام صادق (علیه‌السلام) است. او را به دلیل معرفت و وفای بسیار نسبت به مقام امام، پیر معرفت نامیدند. او محضر امام کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی (علیهم‌السلام) را درک کرد و در زمان امام هادی (علیه‌السلام) از دنیا رفت. علی در زمان به امامت رسیدن امام جواد (علیه‌السلام) در 7 سالگی، پیرمردی 90 ساله بود. مقام و عزت و نفوذ او بین مردم در حدی بود، که می‌توانست ادعای امامت کند و جمعیت زیادی را سمت خود بکشاند، اما از زمان ولادت امام جواد (علیه‌السلام) و پس از آن حامی جدی ایشان بود. نوع حمایت ایشان از امام مشابه نوع حمایت ابوطالب و عبدالمطلب از رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود. علی که امامزاده‌ای فقیه و عادل بود، به تحریکات اطرافیان برای ادعای امامت توجهی نمی‌کرد و صادقانه به امام محبت می‌کرد.

او آن قدر شیفته امام جواد (علیه‌السلام) بود و عاشقانه ایشان را دوست داشت که آورده‌اند وقتی امام 7 ساله از در وارد می‌شدند، چنان با هروله به سمت ایشان می‌دوید که عمامه از سرش می‌افتاد و در زمان خروج امام کفش ایشان را جفت می‌کرد.

وقتی به او طعنه می‌زدند، که نوکری کسی را می‌کنی که از نوهات هم کوچکتر است، می‌گفت خداوند این محاسن سفید را لایق امامت ندیده است.

او فدایی امام بود و حتی در مواردی مثل فصد هم خود را پیش‌مرگ امام می‌کرد و تا ابتدا تیغ را به او نمی‌زدند، اجازه نزدیک شدن به امام را نمی‌داد. او کسی بود که امامت را حفظ کرد. اگر او نبود، شیعیان بی‌بصیرت و بی‌معرفت کار امامت را تمام کرده بودند.

● علی بن مهزیار

او که ابتدا مسیحی بود و در نوجوانی مسلمان شده بود، به یکی از صدیق‌ترین یاران اهل بیت (علیهم‌السلام) تبدیل شد. ابن مهزیار از فقها و محدثان و رهبران مهم شیعه بود. او محضر امام رضا، امام جواد و امام هادی (علیهم‌السلام) را درک کرد و از وکلای مهم ایشان بود. او با تمام جان به معرفی و تبیین مقام امام و اصول فقهی می‌پرداخت و رابط صدیق امام با مردم بود. علی بن مهزیار در ترویج ولایت امام جواد (علیه‌السلام) در ایران نقش ویژه‌ای داشت.

امام جواد (علیه‌السلام) محبت و عشق عجیبی نسبت به او داشتند. نامه‌های امام به علی بن مهزیار در تاریخ شیعه بی‌سابقه هستند و محبتی وصف‌ناپذیر در آنها گنجانده شده است. امام در نامه‌ای به او نوشتند: ای علی! خدا تو را در بهشت جا بدهد... من تو را در اطاعت و احترام و هرچه بر تو واجب است، آزمودم. اگر بگویم هیچ کس را مثل تو ندیده‌ام، امیدوارم ادعایم درست باشد. خدمات تو در روز و شب و سرما و گرما از من پوشیده نیست. از خدا می‌خواهم چنان در قیامت به تو رحمت عطا کند، که مورد غبطه و حسرت دیگران قرار بگیری؟

امام در نامه‌ای دیگر به علی بن مهزیار نوشتند: تو نمی‌دانی خداوند چطور تو را برای من عزیز کرده است. من می‌دانم ایمان تو در چه درجه‌ای است. خدا به دلیل رضایت از تو راضی شود و تو را به آرزویت برساند.⁷

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار لدرر الأخبار الأئمه الأطهار، علی اکبر غفاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج 50، ص 105⁶

مشهد: نشر دانشگاه مشهد، 1409، ص 341 کشی، محمدبن عمر، اختیار معرفه الرجال المعروف به رجال الکشی، محمدبن حسن طوسی،⁷

نقش کلیدی امام جواد (علیه‌السلام) در حیات شیعه

خداوند با ولادت امام جواد (علیه‌السلام) نسل امامت را پس از امام رضا (علیه‌السلام) حفظ کرد. ولادت امام جواد (علیه‌السلام) موهبتی بود که خداوند به وسیله آن شیعیان را از زوال و نابودی نجات داد.

گفتیم دو فرقه گمراه واقفیه و زیدیه هم‌دست شده بودند و امامت امام جواد (علیه‌السلام) را تکذیب می‌کردند. سن کم امام هم عامل غربال شیعه و گمراهی غیر شیعه شده بود. حکومت هم شدیداً امام را تحت نظر داشت و اعمال ایشان را کنترل می‌کرد. کوتاه‌فکرها و سطحی‌نگرها فکر می‌کردند، این شرایط به ضرر امام است و به‌زودی پرونده امامت بسته می‌شود. درحالی‌که خداوند این شرایط را به صورت دقیق و مهندسی شده چیده بود، تا مدل کوچکی از عصر آخرالزمان و دوران امامت مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) اجرا شود. عصر امام جواد (علیه‌السلام) از چند جهت مشابه عصر آخرالزمان بود. ایشان در آن شرایط سخت و تاریک، یک‌تنه بار شیعه را به دوش کشیدند.

مسئله امامت در سن کودکی معضل کوچکی نبود و هر جامعه‌ای ممکن بود با چنین چالشی درگیر شود، اما امام جواد (علیه‌السلام) این بحران را به‌مرور چنان با علم و تدبیرشان حل و فصل کردند، که وقتی امام زمان (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) در کودکی به امامت رسیدند، هیچ شک و شبهه‌ای برای مردم مطرح نشد. ایشان به صورت جدی در مناظرات و مباحثه‌های علمی و فقهی شرکت می‌کردند و مرجع اصلی فقها و علمای سالخورده شدند. امروز از آن کودکی که حتی خواص شیعیان صلاح نمی‌دیدند، روایات ایشان را نقل کنند، دانش‌نامه‌ای چاپ شده که بیش از هزار صفحه پرسش و پاسخ فقهی در آن درج شده است.

ازسوی دیگر امام در شرایطی زندگی می‌کردند که به راحتی امکان ارتباط با شیعیان را نداشتند و همین مسئله می‌توانست، شیعه را نابود کند. امام در این دوران از طریق شبکه‌سازی و انتخاب وکلایی از جانب خودشان توانستند شیعیان را به درستی مدیریت کنند. شبکه وکالتی امام جواد (علیه‌السلام) حیات آسیب‌پذیر شیعه را از ضربات احتمالی و نابودی حفظ کرد.

پیغام عصر امام جواد (علیه السلام) به اصحاب عصر آخرالزمان

مسئله ظهور منجی موعود و زمینه سازی برای تشکیل حکومت الهی موعود بر زمین، مسئله کوچک و پیش پا افتاده ای نبود. این مسئله قرن ها مقدمه چینی و تلاش و تربیت فردی و گروهی احتیاج داشت. صد و بیست و چهار هزار پیامبر آمدند، تا شرایط آمدن پیامبر آخرالزمان را فراهم کنند. سیزده معصوم آمدند، تا فضای قلب های شیعیان و جامعه را برای آمدن منجی موعود تلطیف و مهیا کنند. درحقیقت تمامی حجت های خدا روی زمین آمده بودند، تا موانع را از سر راه تشکیل دولت کریمه بردارند و خود را خادم این مسیر می دانستند.

امام جواد (علیه السلام) سرداری تلاش گر و هم رزم سیزده امام متخصص و معصوم بودند، تا تکلیف خود در مسیر مهدویت را به درستی انجام بدهند. ولادت امام جواد (علیه السلام) و امامت زود هنگام ایشان هم قطعه ای از پازل فراهم آوری شرایط تشکیل حکومت الهی بود. سیره ایشان و اصحاب شان می تواند، مثل نمایشی زنده به ما سبک امامداری بیاموزد و هشدارها و بشارت های لازم را به ما ابلاغ کند.

یکی از بزرگ ترین خسارت های شیعه در طول تاریخ آن است که کمتر به بررسی و تفکر و حلای سیره اصحاب ائمه می پردازد؛ درحالی که رمز موفقیت در امامداری و اسر سقوط از مقام معیت امام را به راحتی می توانیم، در بایدها و نبایدهای زندگی اصحاب پیدا کنیم.

در بحث ولادت امام جواد (علیه السلام) و مسیر امامت ایشان از علی بن جعفر و علی بن مهزیار سخن گفتیم. دو سردار امامداری که آنها را صرفاً در میانه میدان رزم و شمشیر نمی بینیم، اما نوع خطاب و محبت امام به آنها فراتر از هر عشق و محبتی است. غالباً این دو ستون محکم را تاریخ در حال خودسازی و تبیین و معرفی مقام و حق امام دیده است. دو فقیه بزرگی که هر کدام می توانستند خودسرانه و شهوت پرستانه گروهی جمع کنند و دکانی برای خود باز کنند، اما چیزی جز امام ندیدند.

آنچه بر پسر مهزیار گذشت، به ما آموخت که رمز رسیدن به مقام معیت امام در دو چیز است؛ خودسازی و جهاد. تزکیه و پاک سازی قلب تا آنجا که کسی غیر امام را در آینه شفاف شده قلب مان نبینیم. شفافیتی که اثری از منیت ها و خودپرستی ها در قلب مان نمانده باشد، که جهاد را بر اساس فهم و سلیقه خودمان معنا کنیم. جهاد اصول خودش را دارد و مهم ترین اصل آن تقواست. اگر مثل علی بن جعفر و پسر مهزیار نباشیم و این رمز را ندانیم و بی هوا و بدون تقوا به رزم بپردازیم، منیت ها ما

را می‌بلعند و به خیمه‌ امام نمی‌رسییم، درست مثل همان کسانی که با سابقه‌ سال‌ها جهاد به امامت امام شک کردند و از مدار امامداری غربال شدند، درست مثل تمام کسانی که در طول تاریخ اسلام و تشیع با پیشانی‌های پینه‌بسته و بدنی جانناز از جهاد در راه خدا به امام‌کشی رسیدند.

معرفی باشگاهی برای تمرین و آموزش این مهارت را هم می‌توانیم در الگوی امامت امام جواد (علیه‌السلام) پیدا کنیم. ایشان با تشکیل شبکه‌ وکالتی و سبک زندگی تشکیلاتی کلید را به دست ما دادند. امام به ما آموختند معتبرترین باشگاه برای کسب مهارت امامداری و شکستن منیت‌ها قرار گرفتن در تشکیلاتی الهی است. سبک زندگی تشکیلاتی و تن دادن به بایدها و نبایدهای آن و تمرین شکستن منیت‌ها در مقابل ولی و فرمانده می‌تواند، راهکاری قوی برای تمرین امامداری باشد.